



مربوط به پانویس شماره ۴۰ بخش پنجم - مقاله تحریف تاریخ - نظرات متناقض و
انحرافی خلیل ملکی درباره دکتر مصدق! - دکتر منصور بیات زاده

به نقل از صفحات ۴۳۹ و ۴۴۰ کتاب «سوداگری با تاریخ» به قلم محمد امینی

۴۳۹

مخبره‌ها با قیام ملی

دین آچسن!

وزیر امور خارجه‌ی ایالات متحد در زندگی نامه‌ی بلند خویش، حضور در
پیدايش، بازگویی خویش را از تاریخ دوران ملی شدن صنعت نفت با چنین
برداشتی از مصدق آغاز می‌کند که «او مردم فریبی با زرنگی و توانایی‌های
بسیار» بود.

آچسن آشکار می‌سازد که در گفت‌وگوهای او و دستپاراش مک‌گهی با مصدق به
نگاه دیداروی از واشنگتن در سال ۱۳۳۰ و پس از شکست پیشنهاد بریتانیا در
شورای امنیت سازمان ملل متحد مک‌گهی و مصدق به توافق رسیده بودند و
بریتانیا یا با فشاری بر نیاز به برکناری مصدق آن توافق را برهم زده است.

«مصدق حتی پذیرفت که [بالایشگاه آبادان] از سوی یک گروه بیطرفه
مانند یک شرکت هلندی اداره شود... دریاچه این پیش فاشته‌ها، آن سه [مک
گهی و دو دستپاراش در وزارت امور خارجه] طرح خرده‌مندان‌ای را ریختند که
بر پایه‌ی آن، شرکت نفت ایران و انگلیس، نفت ایران را بر پایه‌ی همان تقسیم
پنجاه پنجاه میان دولت [ایران] و شرکت، مانند دیگر کشورهای خلیج فارس
دریافت می‌کرد... من بر این باور بودم که ما مصالح یک توافق را در دست
داریم... ژنرال [ویس شرکت نفت ایران و انگلیس] بر آن بود از آن جا که
مصدق به منافع بریتانیا ناخته، باید شکست بخورد، این سیاست بریتانیا، راه
هرگونه عقب نشینی آبرومندان را بر مصدق بسته... نیتزی (Nitze) و مک

1- Dean Acheson.
2- Acheson, Dean: *Present at the Creation*, W W Norton & Company, New York 1967.
مخبره‌ها بر بخش ۵۲ زندگی نامه‌ی آچسن که به نیامه خود او است، بیوگرافی نویسنده آچسن در
کتاب «آچسن، زندگی در جنگ سرد» در بخش‌های ۳۱ و ۳۲ کتاب به ایران و رویدادهای
نخست وزیر مصدق و برخورد ایالات متحد به ملی شدن صنعت نفت ایران پرداخته است.
Beisner, Robert: *Dean Acheson: A Life in the Cold War*, Oxford University
Press, New York, 2006.
3- Acheson: *Present at the Creation*, p. 501.
4- Sir Leslie Rowan.
5- Paul Nitze.

گهی چنین وانمود ساختند که گفت‌وگوها پایان یافته زیرا مصدق بدهای روشنی را برای نفت که بتوان بر پایه آن پیشنهادی به بریتانیا بدهند نپذیرفته است. اما به من گفتند که مصدق هرگز آن بهانه را باور نکرده است. مصدق می‌دانست که بریتانیا می‌خواهد تا پایان کار سئیز کند و او اعلام جنگ تا پایان کار را با سرلندی پذیرفت.^۱

کرمیت روزولت در گفت‌وگویی با خبرنگار لوس آنجلس تایمز در سال ۱۹۷۹، گفته بود که جمهوری خواهان آگاهانه برنامه‌ریزی براندازی مصدق را که پس از پایان انتخابات ریاست جمهوری در آبان ۱۳۳۱، آغاز شده بود، با کابینه‌ی ترومن و دین آچسن در میان نهادند.

«آچسن، شیفته‌ی دکتر مصدق شده بود. او به قدری نسبت به مصدق سخاوتمندی داشت که من مایل نبودم موضوع را با او مطرح نمایم. همین طور آن دالین [مایل نبود]، چون می‌دانستیم که فاستر دالین بزودی جای آچسن را خواهد گرفت.»^۲

سر ویستون چرچیل

هنگامی که نخست وزیر محافظه‌کار بریتانیا در نوامبر سال ۱۹۵۱ (آذرماه ۱۳۳۰) به نخست‌وزیری رسید، روزی در روئیی با دولت مصدق بسالاً گرفت و پیروزی «پیکمسه جانی تازه‌یافت»^۳ چرچیل بر این باور بود که هرآینه دولت کارگری بریتانیا رفتار استواری را در برابر مصدق و چیرگی دولت ایران بر پالایشگاه آبادان در پیش گرفته بود. بحران کانال سوئز نیز پیش نمی‌آمد. چرچیل هوادار سیاست ماندگاری استعمار بود و باور داشت که هرآینه رویدادهای هند و چین ایران در سودان و مصر نیز تکرار شوند. امپراتوری بریتانیا پایان خواهد یافت و از این رو

1- Acheson, *Present at the Creation*, p. 510-11.

2- گفت‌وگویی روزولت با دابرت شیبی لوس آنجلس تایمز، ۲۹ مارس ۱۹۷۹، بازگرفته در جیمز بیل: آمریکا، ایران، سیاست مداخله در مصدق، نقشه دایمیوالیسم ایرانی، تاریخ معاصر تهران، ۱۳۶۸، برگه ۴۵۱.

3- Andrew, Christopher. *Evil at the President's Eye Only*, Harper Collins, NY 1995, page 203.

لینک همین مطلب در سایت سازمان سوسیالیست های ایران

www.ois-iran.com/2015/azar-1394/ois-iran-7312-safha...pdf

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران در آذرماه ۱۳۹۴ - دسامبر ۲۰۱۵